

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۱، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰
صص ۱۹-۳۶

آگاهی از حقوق و تکالیف شهری و عوامل مرتبط با آن^۱ مورد مطالعه: شهر مشهد

حسین میرزایی، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*
سید احمد میرمحمدتبار، دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر موضوع حقوق و تکالیف شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه زیادی را به خود جلب کرده است. به دلیل اهمیت موضوع، پژوهش حاضر میزان آگاهی شهروندان مشهدی از حقوق و تکالیف شهری خود و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده است. برای شناسایی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر، نظریه‌های مرتبط همچون نظریه‌های مارشال، جانوسکی، پارسونز، هابرماس، ترنر و پژوهش‌های پیشین مطالعه شد. پژوهش به روش کمی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شد. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۵ سال شهر مشهد بود که از بین آنها ۱۲۰۰ نفر برای نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. نتایج نشان می‌دهد میانگین آگاهی از حقوق و تکالیف شهری به ترتیب با ۲۴/۴۸ و ۲۳/۴ در حد بالا قرار دارد. متغیرهای مستقل به ترتیب حدود ۵۸ و ۱۴ درصد از واریانس متغیرهای آگاهی از حقوق و تکالیف شهری را پیش‌بینی کردند. قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر آگاهی از حقوق شهری به ترتیب دین‌داری (بتا=۰/۷۴۴)، جامعه‌پذیری در خانواده (بتا=۰/۱۲۱)، مشارکت عمومی (بتا=۰/۰۶۰)، استفاده از رسانه خارجی (بتا=۰/۰۵۸) و استفاده از رسانه داخلی (بتا=۰/۰۵۳) هستند. این در حالی است که جامعه‌پذیری در خانواده (بتا=۰/۱۸۲)، دین‌داری (بتا=۰/۱۵۴)، استفاده از رسانه داخلی (بتا=۰/۰۹۳) و استفاده از رسانه خارجی (بتا=۰/۰۸۹) بیشترین تأثیر را بر متغیر آگاهی از تکالیف شهری داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: آگاهی، حقوق و تکالیف شهری، مشارکت عمومی، استفاده از رسانه، جامعه‌پذیری.

^۱ این مقاله از طرحی با عنوان «بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهری و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد» برگرفته شده و با حمایت مالی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد انجام شده است.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۲۳۹۷۶۰۷

Email: hmirzaei@um.ac.ir

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: 10.22108/ssoss.2019.104774.1105

مقدمه و بیان مسئله

برقراری زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد، گروه‌ها و نهادهای مختلف جامعه است. شهرها بزرگ‌ترین اجتماع‌های انسانی‌اند که محل تلاقی حقوق عمومی و خصوصی‌اند و در آنها روشن‌بودن حقوق شهری و نحوه به‌کاربردن آن از الزامات زندگی شهری امروزی است. به دلیل شباهت مفهومی سه اصطلاح «حقوق شهروندی»، «حقوق شهروندی» و «حقوق شهری» لازم است ابتدا برای بیان روشن‌تر مسئله و اهداف پژوهش تفاوت مفهومی این سه اصطلاح روشن شود.

حقوق شهروندی مفهومی کلی است که در آن شهروند با ارجاع به دولت - ملت تعریف می‌شود و به نسبت میان حاکمیت و مردم در نظام حقوقی - سیاسی توجه می‌شود. عضویت و تابعیت یک جامعه به تنهایی سبب شکل‌گیری حقوق و تکالیفی می‌شود که جز از طریق تغییر تابعیت از فرد ساقط نمی‌شود. آنگونه که مشخص است این مفهوم بسیار وسیع است و همه افراد یک کشور را فارغ از محل سکونت آنها در بر می‌گیرد.

مفهوم دیگر «حقوق شهروندی» است؛ این حقوق شکل خاصی از حقوق شهروندی است و در آن رابطه شهروند با حاکمیت محلی شهری مدنظر است. در این مفهوم شهروندی با ارجاع به دولت - ملت تعریف نمی‌شود؛ بلکه با ارجاع به فضای شهری تعریف می‌شود.

مفهوم حقوق شهری نیز دربردارنده مجموعه مقرراتی است که روابط شهروندان با اداره‌های شهری و نهادهای دارای مدخل در امر شهری را تنظیم می‌کند و بر شوراهای شهرداری‌ها و سایر اداره‌های شهری ناظر است. حقوق شهری از لحاظ مکانی تنها محدوده قانونی و حریم شهرها را در بر می‌گیرد. با این تعریف از حقوق شهری مشخص می‌شود که این مفهوم خاص‌تر از حقوق شهروندی و مفهومی حقوق شهروندی خاص‌تر از حقوق شهروندی است که موضوعی کلی، همه‌جانبه و در ارجاع به همه افراد یک ملت و جامعه

است (عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۹). بر همین اساس تمرکز اصلی این پژوهش بر حقوق و تکالیف شهری^۱ است.

شهروندی^۲ از مشتقات شهر است و آن را قالب پیشرفته شهروندی می‌دانند. به باور برخی کارشناسان، شهروندی به‌هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل کنند، به شهروند ارتقا می‌یابند. مفهوم شهروندی در جوامع امروزی با دموکراسی در ارتباط است. دموکراسی به منزله روشی برای زندگی کردن برابر است (Thayer-Bacon, 2008). شهروندی خوب مستلزم این است که افراد به‌گونه‌ای اجتماعی رفتار کنند و در عین حال از موضوعات سیاسی و اجتماعی بپرسند و انتقاداتشان را مطرح کنند (Westheimer, 2007). گیبز و همکاران^۳ (2013) بیان می‌کنند که به‌طور کلی شهروندی در طی بحث‌هایی آموخته می‌شود که درباره مشارکت در اقدامات اجتماعی مختلف صورت می‌گیرد.

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که برای کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت رفتارها به وجود آمده است. مارشال معتقد است شهروندی پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام‌عیار اجتماع‌اند، داده می‌شود. در واقع، شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (به نقل از پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳). شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌کند و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. امروزه بحث درباره کیفیت و این حقوق و تکالیف، حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسئله را مطرح کرده است که تحقق شهروندی و به‌دنبال آن توسعه در

^۱ با جستجوی کوتاه و مختصر مشخص می‌شود که ادبیات نظری و تجربی کمی در موضوع حقوق و تکالیف شهری شکل گرفته است. به همین دلیل در بخش‌های مختلف این گزارش از حقوق و تکالیف شهروندی سخن به میان می‌آید؛ اما تأکید پژوهشگران در همه این مباحث بر همان حقوق و تکالیف شهری است.

^۲ Citizenship

^۳ Geboers et al.

مشارکت در همین راستاست. اگر آگاهی از حقوق شهری در یک شهر در سطح بالایی نباشد، افراد نمی‌دانند چه نوع حقوق و تکالیفی در جامعه و در قبال دیگران دارند و چگونه باید در جهت تحقق و ایفای آنها تلاش کنند.

اما افزایش آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف خود در حوزه شهری سبب بهبود توانایی‌های شهروندان، مشارکت‌جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در امور شهر، تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری، برقراری عدالت بیشتر در برخورداری از فرصت‌ها، کاهش هزینه‌های اجتماعی و شهری و مسئولیت‌پذیری بیشتر شهروندان می‌شود.

با وجود اهمیت موضوع با مروری بر پژوهش‌های انجام شده در حوزه حقوق شهری مشخص می‌شود آنچنان که شایسته است به این موضوع توجه نشده است و همین خلأ پژوهشی موجود ضرورت انجام این پژوهش و پژوهش‌های مشابه را آشکار می‌کند.

مشهد پایتخت معنوی ایران و ویتروینی از جامعه ایرانی است که سالانه میلیون‌ها زائر و گردشگر را پذیراست. علاوه بر جنبه گردشگری، جاذبه‌های اقتصادی شهر سبب مهاجرت وسیع از داخل و خارج استان به این شهر شده است. این مسئله علاوه بر رشد حاشیه‌نشینی، تنوع فرهنگی و قومیتی زیادی را به دنبال داشته است و دارد. مجموعه این شرایط سبب شده است مدیریت شهر مشهد پیچیده و خاص باشد و یقیناً بدون تعامل سازنده بین شهروندان و نهادهای مسئول شهری، مدیریت آن بسیار مشکل و پرهزینه خواهد بود؛ البته ایجاد این تعامل مستلزم رعایت حقوق و تکالیف شهری از سوی ساکنان مشهد و متولیان شهری است و پیش‌نیاز اساسی رعایت حقوق و تکالیف شهری، آگاهی داشتن از این حقوق و تکالیف است؛ بنابراین، پژوهش حاضر درصدد بررسی میزان آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف شهری خود و عوامل مرتبط با آن در شهر مشهد است.

گرو شناخت مؤثر آن است؛ بنابراین، کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور برای حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالکس، ۱۳۹۰).

از نظر مارشال شهروندی از دو شاخص اصلی تشکیل شده است؛ اولین شاخص شهروندی، حقوق شهروندی است. شهروندی در اساس به منزله مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. این حقوق چندین کارکرد دارند. مهم‌ترین کارکرد حقوق فردی این است که استقلال فردی را به همراه می‌آورد. حقوق به افراد فضا می‌دهد تا منافعشان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه‌شان را بدون دخالت افراد دیگر یا به‌طور کلی جامعه تحقق بخشند. حقوق شهروندی نیز چند بعد دارد و هر یک از این ابعاد نیز مؤلفه‌هایی دارند. مارشال سه نوع حقوق شهروندی را بیان می‌کند: حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی. دومین شاخص شهروندی، تکالیف شهروندی است. مفهوم شهروندی علاوه بر حقوق، دربردارنده وظایف و تعهدات نیز هست (نش، ۱۳۹۴).

فالکس بین وظایف و تکالیف شهروندی تمایز قایل می‌شود: وظایف را می‌توان آن دسته از مسئولیت‌ها تلقی کرد که به وسیله قانون مقرر می‌شوند و برای احترام‌نگذاشتن فرد به آنها مجازات‌هایی تعیین می‌شود. در مقابل تکالیف یا تعهدات را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست. نشانه سلامت یک جامعه توانایی‌اش در اتکا بر تعهدات داوطلبانه به جای وظایف تحمیلی برای حفظ جامعه است (فالکس، ۱۳۹۰).

آگاهی از حقوق شهری عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره و شهرهای امروزی است. توجه نکردن به آگاهی از حقوق شهری مخدوش‌کننده پایگاه‌ها و نقش‌ها و سبب تأخیر در کارها و هزینه بردن آنها، ایجاد خلل در روابط و تعاملات و ایجاد مشکلاتی در مشارکت شهروندان می‌شود. چرخش نظریه‌های جامعه‌شناسی به سمت مفاهیم نرم همانند آگاهی از حقوق شهری و شهروندی و

پیشینه پژوهش

شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۵) میزان آگاهی شهروندان نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن را بررسی کردند. جمعیت این پژوهش همه شهروندان شهر ساری با رده سنی ۱۸ سال و بالاتر است و نتایج آن نشان دادند آگاهی از حقوق بیشتر از مسئولیت‌ها و تکالیف است. نتایج تبیینی نشان می‌دهند از میان سه متغیر مستقل (رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت مدنی)، رسانه‌های جمعی و مشارکت مدنی با آگاهی از مسئولیت‌ها و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رسانه‌های جمعی با آگاهی از حقوق معنادار بوده‌اند و رسانه‌های جمعی مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها هستند.

شیانی و سپهوند (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی» انجام دادند. این مطالعه به صورت پیمایش بین ۸۷۵ نفر از ساکنان شهر خرم‌آباد لرستان انجام شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که در مجموع بین استفاده از تلویزیون (از نظر میزان استفاده و محتوای برنامه‌ها از سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی) و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

باقری (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف بررسی میزان آگاهی شهروندان از حقوق، تعهدات و اخلاق شهروندی و انتظارات آنان از دولت انجام داده است. در این پژوهش ۲۲۹ نفر از شهروندان تهرانی بالای ۱۲ سال به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه‌مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان دادند میان سه بعد حقوق قانونی و مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندی با تعهدات شهروندان در قبال دولت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و در مجموع شاخص حقوق شهروندان با تعهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت رابطه مثبت و معناداری دارد.

حاج‌زاده و منصوری (۱۳۹۲) میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی را سنجیده‌اند. پژوهش آنها از نوع کاربردی و پیمایشی است. نمونه پژوهش

۳۸۴ نفر از شهروندان استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۲ هستند. براساس نتایج، میزان آگاهی از حقوق شهروندی استان در حد متوسط بوده است و بیشتر شهروندان پایگاه اجتماعی پایینی دارند. همچنین با توجه به آزمون همبستگی، تحلیل واریانس آزمون رگرسیون و ضرایب معادله رگرسیونی بین نگرش به حقوق شهروندی، استفاده از رسانه، حضور در عرصه عمومی، تحصیلات و سن با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت وجود دارد؛ اما آگاهی از حقوق شهروندی بین طبقات و قومیت‌ها و زنان و مردان وضعیت مشابهی داشته است.

گیبوز و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «توسعه شهروندی رقابتی در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی در آمستردام» انجام دادند. این پژوهش به صورت مطالعه طولی و در طی سه سال، ۵۰۷۰ دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۶ ساله مدارس آمستردام هلند را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان دادند شهروندی رقابتی در طول دوره راهنمایی افزایش می‌یابد؛ ولی این افزایش همیشگی نیست و نوسان دارد. دانش‌آموزان طی این دوره، افزایشی در سطح آگاهی از شهروندی نشان می‌دهند. این در حالی است که علاقه به منافع جمعی نوسان دارد. تفاوت‌ها بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی می‌تواند برحسب انواع مدرسه و ویژگی‌های دانش‌آموزان تبیین شود.

انگل^۱ (۲۰۱۰) پژوهشی با هدف بررسی اصلاحات آموزش شهروندی در اسپانیا انجام داد. این پژوهش که به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است، تلاش می‌کند اصلاحات آموزش شهروندی در اسپانیا را با موضوعات شهروند جهانی و ملی و تنوع فرهنگی و مهاجرت بررسی کند. نتایج پژوهش نشان دادند نوعی سنخ‌شناسی چهارگانه برای آموزش شهروندی در اسپانیا وجود دارد. این چهار سنخ شامل سنخ سنتی، سنخ مهارت‌محور، سنخ ارزش‌محور و رویکرد انعکاسی است.

^۱ Engel

تعامل ساکنان شهر با مجموعه مدیریتی شهر مربوط است و در نظر داشتن متغیرهایی چون میزان باورهای دینی افراد و ارتباط آن با موضوع حقوق و تکالیف شهری، از موارد بااهمیت و بدیع این پژوهش‌اند.

مبانی نظری

مارشال بحث شهروندی را به سه بخش تقسیم می‌کند: عنصر مدنی که در جهت تحقق آزادی‌های فردی است و عبارت است از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت و عنصر سیاسی که از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به‌ویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی مخفی به وجود آمده است. در نهایت، مارشال عنصر اجتماعی را به منزله حق «برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهیم‌شدن به طور کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به مانند یک موجود متمدن» تعریف کرده است. این سه عنصر از قرن هفدهم تا قرن بیستم به تدریج شکل گرفته‌اند. در کنار این سه عنصر، مجموعه‌ای از نهادها همچون دادگاه‌ها، پارلمان، شوراهای حکومت محلی، نظام آموزشی و خدمات اجتماعی وجود داشتند که به این حقوق نمود اجتماعی می‌دادند (به نقل از نش، ۱۳۹۴).

مارشال در نظریه خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به منزله نظامی پویا مطرح می‌کند که در آن برخورد مدام میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین‌کننده زندگی سیاسی و اجتماعی است. بدین صورت که فرایند تضمین حقوق اجتماعی موجب فرسایش تفاوت‌های طبقاتی می‌شود و مساوات‌طلبی شهروندی را تقویت می‌کند. در عین حال تهدید امتیاز طبقاتی واکنش دفاعی را برمی‌انگیزد و طبقه مسلط از نظر اقتصادی، از موقعیت خود در برابر بسط و گسترش حقوق اجتماعی دفاع می‌کند. هسته نظریه شهروندی ماکس وبر در شکل‌دهی جامعه سرمایه‌داری امروزی به سمت دو فرایند جامعه‌شناختی (مدرن‌شدن و عقلانی‌شدن) است. محور

بلانچت کوهن و بدوکس^۱ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «برنامه آموزشی جوانان در رهیافت حقوق محور شهروندی» انجام دادند. در این پژوهش یک برنامه آموزشی اجرا شده توسط شهرداری مونترال کانادا در زمینه حقوق شهروندی بررسی شده است. برای انجام پژوهش ۱۰۱ مصاحبه با جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال این شهر انجام شد. نتایج پژوهش نشان دادند برنامه‌های آموزشی نقش زیادی در یاد دادن حقوق شهروندی داشته‌اند و افرادی که در این برنامه‌ها بیشتر حضور داشتند، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به شهر و وقایع روی داده در آن داشتند.

گیبوز و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات آموزش شهروندی» نشان دادند مدارس می‌توانند نقش مهمی در توسعه شهروندی در دانش‌آموزان، به‌ویژه در جوامع مدرن و معاصر داشته باشند. این پژوهش در تلاش برای بررسی تأثیر انواع مختلف آموزش شهروندی بوده است و به همین دلیل پژوهشگران ۲۸ برنامه آموزشی را بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ در زمینه تأثیر آموزش شهروندی مطالعه کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان دادند در این ۲۸ برنامه آموزش شهروندی، بر بعد سیاسی شهروندی بیش از بعد اجتماعی آن تأکید شده است، فضای باز و دموکراتیک کلاسی بیشتر سبب توسعه شهروندی در دانش‌آموزان می‌شود و به‌طور کلی یک برنامه درسی رسمی می‌تواند تأثیر زیادی بر آموزش شهروندی داشته باشد.

مرور مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده اهمیت موضوع آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در پژوهش‌هاست. در بررسی دقیق‌تر پژوهش‌های مرتبط مشخص می‌شود بر نقش رسانه‌ها، حضور در عرصه عمومی و مشارکت اجتماعی، آموزش و متغیرهای زمینه‌ای چون پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تحصیلات، جنسیت، قومیت و سن و ارتباط آنها با مقوله آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی توجه شده است. توجه به مقوله «حقوق و تکالیف شهری» که تنها به رابطه و

^۱ Blanchet-Cohen & Bedeaux

اعتراض، جنبش و... حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و... حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و... (Janoski, 1998). به باور او شهروندی عضویت فعال و غیرفعال افراد در ملت - دولت با حقوق و تکالیف عام گرایانه مشخص و در یک سطح مشخص از برابری است. در تعریف او چهار نکته اساسی مطرح است: اول: شهروندی با عضویت در ملت - دولت شروع می‌شود. دوم: شهروندی حقوق و تکالیف معینی دارد. سوم: حقوق شهروندی عام است و برای همه شهروندان جاری است. چهارم: شهروندی نشان دهنده برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است (یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۷: ۷).

برایان اس ترنر^۱ (1990) بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، نوعی هویت فرهنگی خاص برای فرد و گروه ایجاد می‌کند. این همان مفهومی است که درباره سیاست هویت بحث می‌کند؛ بنابراین، وقتی متفکران علوم سیاسی از شهروندی سخن می‌گویند، منظورشان نحوه دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی است. همین طور هویت در جامعه مدنی و فرهنگ شهری از دیدگاه فلسفه سیاسی - شهروندی، آرمانی به نام «شهر خوب و متعالی» دارد که از کارکرد بهینه دموکراسی نشئت می‌گیرد. در واقع، واژه شهروندی مبین ارتباط شهروندی با به وجود آمدن جامعه بورژوازی است و به طور خاص با سنت‌های جامعه مدنی ارتباط دارد. به عقیده ترنر، هر شهروند از حقوق اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بهره‌مند می‌شود. حقوق اقتصادی به نیازهای اساسی مانند غذا و سلامتی، حقوق فرهنگی به امکان دسترسی به رفاه و آموزش و در نهایت حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان مربوط می‌شود. مجموعه این حقوق را حقوق اجتماعی می‌گویند که از حقوق انسانی متمایز می‌شود. حقوق اجتماعی این فرض کلی را در بر دارد که شامل کسانی می‌شود که عضو دولت -

نظریه شهروندی در فرایند مدنظر ماکس وبر نیز عضویت اجتماعی است. منتهی باید توجه داشت که در نظریه مدرنیته شهروندی وبری، وزنه نظری بیشتر، به سمت وسوی تحلیل و تبیین جامعه‌شناسی تاریخی شکل‌گیری شهروندی (وجه پدیداری) است تا جامعه‌شناسی نظری شهروندی (وجه مفهومی). با وجود این، از واری نظریه شهروندی وبر - که ارتباط تنگاتنگی با مقوله شهر از دیدگاه او دارد - می‌توان ایده‌های جامعه‌شناختی مناسبی برای یک نظریه جامعه‌شناسی شهروندی با تأکید بر جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب یا شهر امروزی غربی پس از رنسانس بیرون کشید (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۹۸). رئوس این خطوط تحلیل به همراه مقوله‌های کلیدی و عوامل تاریخی - اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری شهروندی در شهر امروزی غربی پس از رنسانس را می‌توان به صورت زیر مرتب کرد:

اول، خاستگاه‌های اصلی شکل‌گیری شهروندی را باید در نابودی تدریجی و نهایی نظام فئودالیستی و توسعه و گسترش نظامی‌گری شهری (پیاده‌نظام شهری و شبه‌نظامیان شهری) سراغ گرفت. دوم، آموزه‌های دینی مسیحی نیز از طریق گسترش ایده انجمن‌های محلی شهری، به منزله یک هویت سیاسی مبتنی بر ایمان و باور مشترک، بر شکل‌گیری شهروندی تأثیر گذاشته‌اند. سوم، هویت‌های سیاسی مبتنی بر ایمان و باور مشترک مسیحی، نقش هویت‌های مبتنی بر عضویت محلی و عضویت قبیله‌ای را کمرنگ کرده‌اند و از این طریق بر شکل‌گیری شهروندی تأثیر گذاشته‌اند. چهارم، شکل‌گیری نهایی شهروندی در غرب به منزله بخشی اساسی از ساختار اجتماعی تمدن سرمایه‌داری امروزی ناشی از ترکیب چند عامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی اساسی بوده است (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰: ۱۴).

جانوسکی چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی شامل حق برای قرارداد بستن، آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت، خدمات و... حقوق سیاسی شامل حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق

¹ Turner

ملت‌اند.

ترنر به جای تعریف شهروندی در چارچوبی ایستا از حقوق و تکالیف، آن را یک فرایند تعریف می‌کند. شهروندی هم فرایندی دربرگیرنده است که منابعی را بازتوزیع می‌کند و هم فرایندی پردکننده که هویت‌هایی را مبنای همبستگی مشترک یا تصویری می‌سازد. حق احراز شهروندی علاوه بر فراهم کردن معیارهای توزیع منابع کمیاب، هویت‌های نیرومندی را پدید می‌آورد که هم هویت‌های حقوقی‌اند و هم در نوع خود فرض‌هایی درباره قومیت، دین و جنسیت دارند (Turner, 1990). به باور ترنر حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی است که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. شهروند منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش را دارد. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق میان اقوام مختلف متفاوت است. بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه کرد؛ زیرا همچون واسطه‌ای بر آگاهی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند (حاج‌زاده و منصور، ۱۳۹۲: ۶۲).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک‌شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به گمان او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و از حقوق شهروندی درکی ندارند (به نقل از توسلی و نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های

اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است؛ بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی به تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر نیازمند است. مهم‌ترین مسئله مورد توجه پارسونز گروه‌هایی‌اند که از امتیازات شهروندی محروم‌اند. برای مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» و در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند، درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهد داشت (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹: ۳۸)؛ بنابراین، افرادی که نگرش‌های خاص‌گرایانه دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به دنبال آن زمینه آگاهی افراد از حقوق و وظایفشان فراهم شود (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۹).

هابرماس معتقد است شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌منزله شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌شوند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا او مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند. به گمان هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی امروزی قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی امروزی را فرد می‌سازد. از طرفی، شهروندان باید در جامعه مشارکت فعال داشته باشند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (Habermas, 1992: 350).

مختلف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیاز دارند، با تداوم نیازها در زندگی شهری، استفاده مخاطبان از رسانه‌ها برای کسب اطلاعات بیشتر می‌شود. استفاده از رسانه‌ها دو بعد اجتماعی و فردی دارد. در سطح اجتماعی، رسانه‌ها جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و... هستند و در سطح فردی، مخاطبان به طرز وسیعی از اطلاعات و سایل ارتباط جمعی در زندگی روزمره خود سود می‌برند (به نقل از شیانی و سپهوند، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

جمع‌بندی نظری پژوهش

از نظریه‌های ذکر شده می‌توان دریافت که متغیرهای گوناگونی در افزایش یا کاهش آگاهی افراد نسبت به حقوق و وظایف خود مؤثرند. چنانکه هابرماس شکل‌گیری شهروندی را ناشی از تمایز حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی در جامعه امروزی و در نتیجه ایجاد حوزه عمومی می‌داند. انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف با فراهم کردن زمینه مشارکت سبب می‌شوند آگاهی افراد در زمینه شهروندی تقویت شود. یقیناً حضور بیشتر در عرصه و حوزه عمومی جامعه - به دلیل تعاملات بیشتر با دیگر افراد و سازمان‌های متولی اداره شهر - شرایطی را فراهم می‌کند تا افراد نسبت به حقوق و تکالیف خود به‌منزله فردی از اعضای آن جامعه آگاه شوند.

پارسونز معتقد است شهروندی نتیجه توسعه مدرنیزم است و گروه‌هایی که بر ارزش‌های سنتی تعصب می‌ورزند، دیدی خاص‌گرایانه دارند و به دلیل انطباق نداشتن با شرایط اجتماعی درکی از حقوق شهروندی خود ندارند. در این بین جامعه‌پذیرکردن افراد از طریق آموزش نقشی تعیین‌کننده در سست کردن نگرش‌های خاص‌گرایانه و ایجاد و تقویت ارزش‌های عام‌گرایانه و در نتیجه افزایش آگاهی شهروندی دارد. عضویت اجتماعی محور اصلی نظریه شهروندی وبر است. او علل شکل‌گیری شهروندی در دنیای غرب را علاوه بر تضعیف تدریجی نظام فئودالیستی، آموزه‌های دینی مسیحی می‌داند. به باور او این آموزه‌ها از طریق گسترش ایده

فالکس (۱۳۹۰) اجرای تشکیل‌دهنده شهروندی را افزون بر حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی دانسته و مهم‌ترین بستر آن را اخلاق مشارکت در یک جامعه سیاسی دموکرات تعیین کرده است. از نظر او، اهمیت شهروندی در توان برقراری ارتباط مناسب میان فرد و جامعه سیاسی است؛ به طوری که خلأ برابری که با هویت‌یابی نظریه طبقه، مذهب یا قومیت ایجاد شده است، با وجود آن از بین می‌رود. او ارتقای شهروندی را در گام اول مستلزم رسمیت بخشیدن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان فعال و جامعه سیاسی نسبت به یکدیگر دانسته و معتقد است دومین گام تأمین حقوق اجتماعی همه اعضای جامعه، برآوردن نیازهای اساسی آنهاست. توجه به «شهروندی خصوصی» سومین شیوه‌ای است که سبب ارتقای شهروندی می‌شود. این اصطلاح به کاربرد اصول شهروندی و زندگی خصوصی افراد می‌پردازد. شهروندی خصوصی متضمن دموکراتیک کردن حوزه خصوصی با بهادادن به ارزش‌های اخلاقی مشارکت و برابری است. از آنجا که دموکراتیک شدن حوزه خصوصی در نهایت با دموکراتیک شدن فرایندهای اجتماعی همراه است، سبب ارتقای شهروندی می‌شود. این صاحب نظر در نهایت استدلال می‌کند که در یک جامعه جهانی، بقای شهروندی با اتکا به شکل بسته و انحصاری دولت‌های ملی و منطقه‌ای دشوار است.

بال روکیچ و دی فلور در نظریه «وابستگی مخاطب» با تأثیرپذیری از رویکرد کارکردگرایی بیان می‌کنند که رسانه‌های جمعی چنان برای جامعه سرنوشت سازند که مخاطب برای کارکردهای اجتماعی معینی به آنها وابسته می‌شود. بدیهی است افزایش کارکرد و اهمیت اطلاعاتی نظام رسانه‌ای، وابستگی و استفاده بیشتر را به دنبال خواهد داشت. همچنین گستردگی و تنوع و نوع نیازهای مخاطب سبب افزایش وابستگی و تغییر شناخت‌ها، رفتارها و احساسات مخاطب می‌شود. در واقع، وابستگی به یک رسانه خاص احتمال استفاده از پیام‌ها و اطلاعات ارائه شده توسط آن رسانه را افزایش خواهد داد. از آنجا که مردم در تمام جوامع به اطلاعات

- افراد شاغل بیش از غیرشاغلان نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود آگاه‌اند.
- افراد متأهل بیش از مجردان نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود آگاه‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کمی و پیمایشی است و در آن برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. برای تهیه سؤالات مربوط به متغیرهای مستقل، مطالعات تجربی، نظری، اسنادی، پیشینه پژوهش و مصاحبه‌ها ملاک عمل بود. درباره سؤالات مربوط به متغیر وابسته (آگاهی از حقوق و تکالیف شهری) بدین صورت عمل شد: ۱. مطالعه اسناد بالادستی و آیین‌نامه‌های موجود درباره وظایف و تکالیف شهروندان و شهرداری، ۲. مطالعه و استخراج گزینه‌های مرتبط از پژوهش‌های پیشین. ۳. تفکیک شاخص‌ها برحسب معاونت‌های شهرداری. ۴. مراجعه به معاونت‌های مختلف شهرداری مشهد و بهره‌مند شدن از نظر کارشناسان و مسئولان این معاونت‌ها برای اطمینان یافتن از مرتبط بودن شاخص‌های استخراج شده. ۵. تهیه پرسش‌نامه مقدماتی. ۶. پیش‌آزمون پرسش‌نامه بین ۳۰ نفر از شهروندان مشهدی. ۷. نهایی شدن پرسش‌نامه. جامعه آماری این پژوهش، همه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر مشهد است. ۱۲۰۰ پرسش‌نامه از نواحی ۱۳گانه شهر مشهد جمع‌آوری شد. برای دسترسی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در این روش با توجه به هدف اصلی پژوهش، ابتدا از میان نواحی (خوشه‌ها) هر منطقه چند ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ سپس از هر یک از نواحی انتخاب شده به‌طور تصادفی محله‌هایی انتخاب و از درون هر یک از محله‌ها بلوک‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت خانوارها و افراد درون هر بلوک به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد. سطح سنجش متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش از نوع فاصله‌ای و در متغیرهای زمینه‌ای از نوع

انجمن‌های شهری، هویت‌های محلی و قبیله‌ای را کم‌رنگ کرده و سبب شکل‌گیری و تقویت فرهنگ شهروندی در دنیای غرب شده است. در جامعه ایرانی که حضور دین نقشی پررنگ در همه عرصه‌های زندگی افراد دارد، در نظر داشتن این متغیر در بحث حقوق و تکالیف شهری بسیار ضروری است. نقش رسانه‌ها در افزایش آگاهی شهروندان در عرصه‌های مختلف از جمله در حوزه حقوق و تکالیف شهری امری انکارناپذیر است. این موضوع در مطالعات پیشین ذکر شده به‌طور برجسته‌ای از سوی پژوهشگران بررسی و بر آن تأکید شده است. ترنر نیز بر نقش رسانه‌های جمعی و تأثیر گرفتن آگاهی اجتماعی از سوی رسانه‌ها تأکید دارد و به‌باور بالروکیچ و دی‌فلور نقش رسانه‌ها در زندگی شهری امروزی با افزایش نیازها بیش از گذشته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- مشارکت بیشتر شهروندان در عرصه عمومی سبب افزایش آگاهی آنان از حقوق و تکالیف شهری می‌شود.
- جامعه‌پذیری نقشی مثبت در افزایش آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف شهری دارد.
- بین دو متغیر میزان دین‌داری و آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف شهری رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.
- با افزایش دسترسی به رسانه و استفاده بیشتر از آن، میزان آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف شهری افزایش می‌یابد.
- فرض پژوهشگران آن بود که حضور و مشارکت بیشتر در حوزه اجتماع و شهر سبب تقویت آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود می‌شود. بر این اساس تصور می‌شد که مردان، افراد شاغل و متأهلان نسبت به زنان، افراد غیرشاغل و مجردان به حقوق و تکالیف شهری خود آگاه‌تر باشند؛ بنابراین، علاوه بر فرضیه‌های اصلی سه فرضیه فرعی زیر طراحی و آزمون شد:
- مردان مشهدی بیش از زنان مشهدی نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود آگاه‌اند.

اسمی دو یا چندحالتی بود که بر همین مبنا نوع آزمون‌ها مشخص شد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

آگاهی از حقوق و تکالیف شهری: حقوق و تکالیف شهری مجموعه مقرراتی است که روابط ساکنان شهر با اداره‌های شهری و نهادهای دارای مدخل در امور شهر را تنظیم می‌کنند و بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر اداره‌ها و نهادهای شهری ناظرند. حقوق و تکالیف شهری حق و حقوق و وظایف متقابل ساکنان شهر نسبت به محل سکونت خود و سازمان‌ها و نهادهای متولی اداره شهر است. در مقابل سازمان‌ها و نهادهای شهری نیز حقوق و تکالیفی نسبت به ساکنان شهر دارند. از لحاظ مکانی حقوق و تکالیف شهری تنها محدوده قانونی و حریم شهرها را در بر می‌گیرد.

برای تهیه شاخص‌های این متغیر ابتدا اسناد بالادستی مطالعه و در مجموع ۶۳ شاخص در زمینه متغیر حقوق شهری و ۴۱ شاخص درباره متغیر تکالیف شهری در نظر گرفته شد. در مرحله بعد براساس نظرهای کارشناسان و مدیران در معاونت‌های مختلف شهرداری مشهد ۳۳ شاخص برای متغیر حقوق شهری و ۲۹ شاخص برای متغیر تکالیف شهری در نظر گرفته شد. در این مرحله با ۳۰ کارشناس حوزه مسائل شهری و مدیران معاونت‌های مختلف شهرداری مشهد مصاحبه شد.

شاخص‌های متغیر حقوق شهری: نظافت شهر، حمل زباله و دفن آن، انتقال مشاغل مزاحم از سطح شهر، جمع‌آوری متکدیان و کارتن‌خواب‌ها، توسعه ورزش‌های همگانی، تشویق شهروندان به مشارکت در امور شهری، اطلاع‌رسانی و راهنمایی زائران و گردشگران، تأمین اماکن فرهنگی، تفریحی و هنری در شهر، توسعه فضای سبز در شهر، دادن آموزش برای بالابردن آگاهی و مهارت شهروندان، جریمه کردن قطع‌کنندگان درخت، رفع سد معبر، برف‌رویی خیابان‌های اصلی شهر، از بین بردن حیوانات موزی و ولگرد، کاهش آسیب‌های اجتماعی در شهر، احداث و توسعه

گورستان‌ها (فردوس‌ها)، آموزش‌های لازم در امور آتش‌نشانی و خدمات ایمنی، ایجاد و توسعه ایستگاه‌های موردنیاز آتش‌نشانی، احداث بازارهای روز و میوه و تره‌بار و کنترل بر قیمت‌ها، دادن گزارش مالی شفاف به شهروندان، تشویق کردن و تخفیف دادن به افراد خوش حساب عوارض شهری، بانک اطلاعاتی جامع و به‌روز درباره شهر، نظارت بر تفکیک اراضی شهر، زیباسازی شهری، ساماندهی حاشیه شهر، اجرای ماده صد، جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه و بدون برنامه، شناسایی و نوسازی بافت‌های قدیمی، الزام شهروندان به تهیه شناسنامه ساختمان، مدیریت و نظارت بر حفاری‌ها در شهر، مدیریت آب‌های سطحی شهر، ایجاد پارکینگ‌های عمومی در سطح شهر، توسعه اتوبوسرانی، تاکسیرانی و قطار شهری و احداث پل عابر پیاده و گذرگاه زیرسطحی برای عابران.

شاخص‌های متغیر تکالیف شهری: مطالبه گزارش‌های

مالی شفاف از سازمان‌های شهری، پرداخت عوارض شهری، رعایت قوانین شهری، مطالبه اطلاعات روزآمد از مدیران شهری، رعایت قوانین ساخت مسکن، کسب اجازه برای نصب تابلو در اماکن عمومی و تجاری، پیروی از قانون خرید و اجاره مسکن، ایجاد نکردن آلودگی صوتی، معاینه فنی خودرو خودرو برای کاهش آلودگی هوا، دستفروشی در معابر عمومی، تفکیک و بازیافت صحیح زباله، نداشتن تماس‌های تلفنی غیرضروری با مراکز خدمات رسان مثل اورژانس و آتش‌نشانی، صدمه به اموال عمومی، شرکت در انتخابات شورای شهر، عبور از چراغ قرمز، رعایت مقررات توسط عابران پیاده و دوچرخه‌سوار، رعایت حق تقدم در عبور از تقاطع و خیابان‌ها، توجه همیشگی به علائم هشداردهنده و حکم‌کننده در راهنمایی و رانندگی، استفاده همیشگی از «من کارت».

مشارکت عمومی: مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های

ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به زندگی اجتماعی مشارکت دارند. برای سنجش این متغیر از گویه‌هایی مانند موارد زیر استفاده شد:

آسیب رساندن و قطع کردن درختان گناه است. دورزدن قوانین با اخلاق اسلامی ما در تضاد است.

اعتبار و پایایی: برای سنجش اعتبار متغیرهای پژوهش از اعتبار صوری استفاده شد. اعتبار صوری به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. بدین ترتیب در پژوهش حاضر با بررسی ادبیات موضوع این نتیجه حاصل شد که شاخص‌های گنجانده شده در سؤالات پرسش‌نامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مطالعه شده هستند. نتایج آزمون پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ نشان می‌دهند متغیرهای پژوهش، آلفای کرونباخ پذیرفتنی داشته‌اند.

جدول ۱- آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
آگاهی از حقوق شهری	۳۳	۰/۹۲
آگاهی از تکالیف شهری	۲۹	۰/۸۲
مشارکت عمومی	۴	۰/۶۵
جامعه‌پذیری در خانواده	۵	۰/۷۴
دین‌داری	۵	۰/۸۰
استفاده از رسانه‌ها	۵	۰/۶۱

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها گویای این‌اند که ۵۱/۴ درصد از پاسخ‌گوها مرد و ۴۸/۶ درصد از آنها زن بوده‌اند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۹ سال است. افراد متأهل با ۸۵۱ نفر (۷۳/۱ درصد) بیشترین فراوانی و افراد طلاق گرفته با ۲۰ نفر (۱/۷ درصد) کمترین فراوانی را بین پاسخ‌گویان دارند. فراوانی افراد مجرد و همسر فوت کرده، به ترتیب ۱۹/۵ و ۴/۳ درصد از پاسخ‌گویان را شامل می‌شود. حدود ۴۰ درصد از افراد حاضر در پژوهش شاغل و بقیه غیرشاغل بودند. ۳۵/۵ درصد از افراد پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین و ۵۳ درصد پایگاه متوسط دارند. تنها ۱۱/۵ درصد از این افراد در سطح بالای پایگاه اقتصادی - اجتماعی قرار دارند.

مطابق جدول (۲)، میانگین متغیر استفاده از رسانه‌های خارجی در شهر مشهد با ۳/۸۵ در حد پایین، میانگین استفاده

برای بهبود وضع محله‌ام در انجمن‌های محلی فعالیت دارم. اگر نیاز به همکاری من در محل زندگی‌ام باشد، قطعاً اقدام می‌کنم. من به انجام کار گروهی برای بهبود وضع دیگران تمایل دارم. سعی می‌کنم در هر انتخاباتی شرکت کنم. **دسترسی به رسانه‌ها:** رسانه‌های گروهی یا وسایل ارتباط جمعی بر مجموع فنون، ابزار و وسایلی دلالت دارد که توانایی انتقال پیام‌های ارتباطی یا اندیشه‌ای در یک زمان را به شمار زیادی از افراد و به ویژه در فواصل زیاد دارند. در این پژوهش منظور از دسترسی به رسانه‌ها، میزان استفاده شهروندان مشهدی از تلویزیون، نشریه‌ها، اینترنت و... برای کسب اطلاع از حقوق و تکالیف شهری خود است.

جامعه‌پذیری: جامعه‌پذیری فرایندی است که در آن مردم اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و عادت‌های موجود در فرهنگ خود را فرامی‌گیرند. این فرایند شامل رشد یک شخصیت معین برای هر فرد از جامعه نیز هست؛ زیرا ویژگی‌های گروه هرگز به‌سادگی و به‌طور یکسان از سوی همه مردم پذیرفته نمی‌شود. بدین ترتیب فرایند جامعه‌پذیری همواره طیف پیچیده‌ای از شخصیت‌ها را در چارچوب‌های خرده‌فرهنگ و فرهنگ پدید می‌آورد. در این پژوهش برای سنجش متغیر جامعه‌پذیری از گویه‌هایی همچون میزان حساسیت خانواده نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود، میزان رعایت حقوق و تکالیف شهری از سوی خانواده، میزان تشویق فرزندان به بالابردن آگاهی از حقوق و تکالیف شهری، میزان تشویق و ترغیب خانواده نسبت به کسب حقوق شهری و انجام تکالیف شهری استفاده شد.

دین‌داری: دین‌داری از جنبه‌های مهم دین است که بیشتر به منزله میزان اعتقادات مذهبی و مشارکت در امور دینی تلقی می‌شود. دین‌داری صفت و حالت انسان درباره دین است و حاصل و نتیجه همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود. در پژوهش حاضر متغیر دین‌داری در قالب گویه‌های زیر سنجیده شد: رعایت حقوق دیگران جزء تکالیف دینی ماست. مقررات رانندگی را رعایت می‌کنم؛ چون رعایت نکردن آن گناه است. رعایت حقوق همسایه بر همسایه واجب است.

خود اختصاص داده اند. کمترین میزان آگاهی به «کاهش آسیب های اجتماعی» و «اجرای ماده صد» به ترتیب با ۵۳ و ۵۵/۲ درصد مربوط می شود. همچنین میانگین آگاهی از تکالیف شهری در شهر مشهد ۲۳/۴۲ است که با توجه به نمره حداقل و حداکثر، این میانگین در حد بالا قرار دارد. بیشترین میزان آگاهی از تکالیف شهری به «ضرورت دادن صندلی خود به افراد ناتوان در اتوبوس و مترو» و «اهمیت رعایت مقررات توسط عابران پیاده و دوچرخه سوار» و کمترین میزان آگاهی به «کاشت و نگهداری درختان توسط شهروندان» و «ضرورت عبور از پل های عابر پیاده» مربوط می شود.

از رسانه های داخلی با ۵/۱۷ در حد متوسط، میانگین مشارکت عمومی با ۱۱/۵۳ در حد متوسط رو به بالا، میانگین متغیرهای جامعه پذیری در خانواده و دین داری به ترتیب با ۱۵/۸۷ و ۱۶/۴ در حد بالا قرار دارند.

میانگین آگاهی از حقوق شهری در شهر مشهد ۲۴/۴۸ است. با توجه به نمره حداقل و حداکثر، این میانگین در حد بالا قرار دارد. بیشترین میزان آگاهی از حقوق شهری به «نظافت شهر و حمل زباله» با ۹۷/۹ درصد مربوط می شود. بعد از آن، «زیباسازی شهری» و «ایجاد پارکینگ های عمومی» به ترتیب با ۸۹ و ۸۸/۶ درصد بیشترین میزان آگاهی را به

جدول ۲- توصیف متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
مشارکت عمومی	۱۱۵۰	۱۱/۵۳	۱/۸	۳/۴	۴	۱۶
جامعه پذیری در خانواده	۱۱۴۵	۱۵/۸۷	۲/۲	۵/۱	۵	۲۰
دین داری	۱۱۴۴	۱۶/۴	۲/۳	۵/۶	۵	۲۰
استفاده از رسانه داخلی	۱۱۶۳	۵/۱۷	۲/۲	۵/۱	۰	۱۰
استفاده از رسانه خارجی	۱۱۵۴	۳/۸۵	۴/۳	۱۸/۷	۰	۱۵
آگاهی از حقوق شهری	۱۱۶۳	۲۴/۴۸	۷/۱	۵۱/۳	۰	۳۳
آگاهی از تکالیف شهری	۱۰۶۹	۲۳/۴۲	۴/۵	۲۰/۶	۸	۲۹

بیش از مجردان نسبت بدان آگاه بودند و تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنادار است؛ در حالی که در این رابطه مردان و زنان و شاغلان و غیرشاغلان با هم متفاوت نبودند و سطح آگاهی مشابهی داشتند.

نتایج جدول (۳) نشان می دهند در متغیر آگاهی از حقوق شهری مردان بیش از زنان و شاغلان بیش از غیرشاغلان نسبت به حقوق شهری خود آگاه بودند و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. در زمینه متغیر تکالیف شهری متأهلان

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین آگاهی از حقوق و تکالیف شهری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای وابسته	متغیرهای زمینه‌ای	جنسیت	تعداد	میانگین	t	sig
آگاهی از حقوق شهری	وضعیت اشتغال	زن	۵۶۶	۲۳/۸	۲/۸	۰/۰۰۵
		مرد	۵۹۷	۲۵/۱		
آگاهی از تکالیف شهری	وضعیت اشتغال	شاغل	۴۴۹	۲۵/۳	۳/۲	۰/۰۰۱
		غیرشاغل	۷۱۴	۲۳/۹		
آگاهی از تکالیف شهری	وضعیت تأهل	مجرد	۲۲۷	۲۴/۰۶	۱/۶	۰/۰۹۱
		متأهل	۸۵۰	۲۴/۹۴		
آگاهی از تکالیف شهری	وضعیت اشتغال	زن	۴۱۹	۲۳/۵	۰/۶۴	۰/۵۱۹
		مرد	۵۵۹	۲۳/۳		
آگاهی از تکالیف شهری	وضعیت اشتغال	شاغل	۶۵۰	۲۳/۵	۰/۶۹	۰/۴۸۵
		غیرشاغل	۲۱۰	۲۲/۹		
آگاهی از تکالیف شهری	وضعیت تأهل	مجرد	۷۸۲	۲۳/۶۷	۲/۱	۰/۰۲۹
		متأهل	۲۱۰	۲۲/۹		

(بتا=۰/۰۶۰)، استفاده از رسانه‌های خارجی (بتا=۰/۰۵۸) و استفاده از رسانه‌های داخلی (بتا=۰/۰۵۳) هستند. همبستگی چندگانه در حد ۳۶ درصد درباره آگاهی از تکالیف شهری نشان‌دهنده این است که متغیرهای جامعه‌پذیری در خانواده، دین‌داری، استفاده از رسانه داخلی و استفاده از رسانه خارجی به‌طور همزمان ۳۶ درصد با آگاهی از تکالیف شهری ارتباط دارند. همچنین این متغیرها حدود ۱۴ درصد از واریانس متغیر آگاهی از تکالیف شهری را تبیین می‌کنند. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در این جدول نشان می‌دهند قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر آگاهی از تکالیف شهری به ترتیب متغیرهای جامعه‌پذیری در خانواده (بتا=۰/۱۸۲)، دین‌داری (بتا=۰/۱۵۴)، استفاده از رسانه داخلی (بتا=۰/۰۹۳) و استفاده از رسانه خارجی (بتا=۰/۰۸۹) هستند.

جدول (۴) درباره متغیر آگاهی از حقوق شهری نشان می‌دهد همبستگی چندگانه معادل ۷۶ درصد است. به عبارت ساده‌تر، متغیرهای مشارکت عمومی، جامعه‌پذیری در خانواده، دین‌داری، استفاده از رسانه داخلی و استفاده از رسانه خارجی به‌طور همزمان ۷۶ درصد با آگاهی از حقوق شهری ارتباط دارند. ضریب تعیین نیز ۵۸ درصد محاسبه شده است. به این معنی که حدود ۵۸ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهری توسط پنج متغیر مشارکت عمومی، جامعه‌پذیری در خانواده، دین‌داری، استفاده از رسانه داخلی و استفاده از رسانه خارجی توضیح داده می‌شود. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول (۴) نشان می‌دهند قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر آگاهی از حقوق شهری به ترتیب متغیرهای دین‌داری (بتا=۰/۷۴۴)، جامعه‌پذیری در خانواده (بتا=۰/۱۲۱)، مشارکت عمومی

جدول ۴- آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین آگاهی از حقوق و تکالیف شهری

آگاهی از تکالیف شهری				آگاهی از حقوق شهری				متغیرهای مستقل
Sig	T	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد (B) استاندارد (Beta)	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد (B) استاندارد (Beta)	Sig	T	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد (B) استاندارد (Beta)	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد (B) استاندارد (Beta)	
۰/۰۸۱	۱/۷۴	۰/۰۵۹	۰/۱۴۲	۰/۰۲۶	۲/۲۸	۰/۰۶۰	۰/۱۹۰	مشارکت عمومی
۰/۰۰۰	۴/۵۸	۰/۱۸۲	۰/۳۶۵	۰/۰۰۵	۲/۸۵	۰/۱۲۱	۰/۲۰۰	جامعه‌پذیری در خانواده
۰/۰۰۰	۴/۰۲	۰/۱۵۴	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۳۷/۱	۰/۷۴۴	۳/۷۵	دین‌داری
۰/۰۰۲	۳/۰۸۸	۰/۰۹۳	۰/۱۸۶	۰/۰۰۷	۲/۷۰	۰/۰۵۳	۰/۱۶۷	استفاده از رسانه داخلی
۰/۰۰۳	۲/۹۹	۰/۰۸۹	۰/۰۹۳	۰/۰۰۳	۲/۹۶	۰/۰۵۸	۰/۰۹۶	استفاده از رسانه خارجی
R= ۰/۳۶	R ² = ۰/۱۴	F= ۳۱/۶	Sig= ۰/۰۰۰	R= ۰/۷۶	R ² = ۰/۵۸	F= ۲۶۲/۶	Sig= ۰/۰۰۰	خلاصه الگو

نتیجه

سنجش میزان آگاهی شهروندان مشهدی از حقوق و تکالیف شهری خود و بررسی عوامل مؤثر بر آن بود. براساس مطالعات انجام‌شده متغیرهای مشارکت عمومی، جامعه‌پذیری در خانواده، دین‌داری و میزان استفاده از رسانه‌ها به‌منزله متغیرهای مستقل برای تبیین متغیرهای وابسته استخراج، شاخص‌سازی و استفاده شدند. در ادامه

رفاه و امنیت هر جامعه‌ای در گرو مشارکت و همکاری اعضای آن است؛ اما مردم زمانی مشارکت خواهند کرد که هر یک به منزله یک شهروند به رسمیت شناخته شوند. این مهم مستلزم آگاهی و شناخت کافی شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی است. هدف اصلی پژوهش حاضر،

درگیری بیشتر شهروندان با مسائل شهر، آگاهی آنان نسبت به حقوق و مسئولیت‌هایشان بیشتر خواهد شد و این افزایش آگاهی تقویت مشارکت را به همراه خواهد داشت.

تدوین و برنامه‌ریزی جامع برای نهادینه کردن ارزش‌های عام‌گرایانه، اخلاق مشارکتی و مدنی از دیگر اقداماتی است که باید انجام شود. معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها، سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... در زمینه‌های مختلف به شهروندان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان می‌تواند میزان حضور ساکنان شهر در عرصه‌های عمومی را افزایش دهد. افزایش برنامه‌های محله‌محور اقدام دیگری است که سبب مشارکت بیشتر مردم در امور شهری می‌شود.

نتیجه دیگر پژوهش رابطه مستقیم و معنادار بین متغیر جامعه‌پذیری در خانواده و آگاهی از حقوق و تکالیف شهری است. جامعه‌پذیری از جمله مفاهیمی است که پارسونز در نظریه شهروندی بر آن تأکید کرده است. او بیان می‌کند که افراد با نگرش‌های خاص گرایانه، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به دنبال آن زمینه آگاهی افراد از حقوق و وظایفشان فراهم شود. این یافته پژوهش که هم راستا با نظریه پارسونز است، با نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۰)، نوروزی و گل‌پرور (۱۳۹۰)، شیانی و دادوندی (۱۳۸۹) و سپیانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز مشابه است.

مدیران و متولیان شهری از جمله شهر مشهد با توجه به ابزارهایی که در اختیار دارند باید بر آموزش شهروندان بیش از پیش اهتمام ورزند. این آموزش‌ها می‌توانند مستقیم و غیرمستقیم باشند و از طریق برگزاری کلاس‌ها، دوره‌های آموزشی و تبلیغات شهری برای همه ساکنان شهر صورت گیرند. در این ارتباط آموزش بزرگسالان می‌تواند زمینه انتقال این اطلاعات به نسل‌های جوان‌تر و در نتیجه افزایش آگاهی آنان را فراهم کند.

فرضیه‌ها با توجه به نتایج پژوهش بررسی و آزمون می‌شوند. اولین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین مشارکت عمومی و آگاهی از حقوق و تکالیف شهری است. نتایج پژوهش هم نشان دهنده وجود رابطه مستقیم و معنادار بین مشارکت عمومی و آگاهی از حقوق شهری است. فالکس (۱۳۹۰) اجزای تشکیل‌دهنده شهروندی را افزون بر حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی دانسته و مهم‌ترین بستر آن را اخلاق مشارکت در یک جامعه سیاسی دموکرات تعیین کرده است. او ارتقای شهروندی را در گام اول مستلزم رسمیت‌بخشیدن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان فعال و جامعه سیاسی نسبت به یکدیگر دانسته و معتقد است دومین گام تأمین حقوق اجتماعی همه اعضای جامعه از طریق برآوردن نیازهای اساسی آنهاست. هابرماس^۱ (۱۹۹۲) هم بیان می‌کند که در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا او مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند. یافته مذکور تأییدکننده و همخوان با نتایج پژوهش‌های بلانچت‌کوهن و بدوکس (۲۰۱۴)، گیورز و همکاران (۲۰۱۳)، هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۰)، شیانی و دادوندی (۱۳۸۹)، اسکافی (۱۳۸۶) و شیانی (۱۳۸۱) است.

اگرچه در شهر مشهد زمینه مشارکت افراد در قالب طرح‌هایی مثل طرح شورای اجتماعی محلات فراهم شده است، با توجه به نقش مهم مشارکت در توسعه آگاهی از حقوق و تکالیف شهری و اداره ایمن‌تر، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر آن، ضروری است زمینه مشارکت شهروندان با طرح‌های ابتکاری و نو بیش از پیش فراهم شود. در این رابطه می‌توان به مواردی چون واگذاری برخی امور مانند نظافت و نگهداری از فضای سبز محلات به شهروندان اشاره کرد. یقیناً با

^۱ Habermas

جدید ارتباطاتی و اطلاعاتی، رسانه‌ها در جامعه امروز به یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزش و کسب اطلاعات تبدیل شده‌اند. مسئولان شهری باید از ظرفیت‌های بزرگ و وسیع رسانه‌های به‌ویژه رسانه‌های جدید همچون اینترنت و شبکه‌های مجازی برای آموزش و انتقال مطالب مدنظر خود به شهروندان به‌ویژه در حوزه حقوق و تکالیف شهری استفاده کنند.

به‌روزرسانی سایت‌های سازمان‌های مختلف شهری، اطلاع‌رسانی در زمینه حقوق و تکالیف شهری، اطلاع‌رسانی بیشتر در مواردی که آگاهی کمتر است - مثل اجرای ماده صد و ضرورت عبور از پل عابر پیاده - از طریق بیلبوردهای سطح شهر و تبلیغات محیطی، طراحی پوسترها و بورشورهای جالب و جذاب برای جلب توجه مخاطب، نمایش و اجرای برنامه‌های مرتبط با زمینه جذاب در رادیو و تلویزیون، گنجانیدن موضوعات شهروندی در محتوای برنامه‌ها، فراهم کردن زمینه بحث و گفتگو و مطالبه‌گری شهروندان در برنامه‌ها، تولید کلیپ و پیام و داستان کوتاه در زمینه مسئولیت‌ها و حق و حقوق مردم و پخش آن از رسانه‌های گروهی از دیگر اقدامات مؤثر و انجام‌شدنی است.

منابع

اسکافی، م. (۱۳۸۶). «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۹، ص ۳۳-۱.

باقری، ل. (۱۳۹۳). «بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، *اخلاق زیستی*، ش ۱۱، ص ۱۲۶-۹۳.

پورعزت، ع؛ قلی‌پور، آ. و باغستانی‌برزکی، ح. (۱۳۸۹). «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۴۱-۷.

نتیجه دیگر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین دین داری و آگاهی از حقوق و تکالیف شهری است. واقعیت آن است که بسیاری از احکام و دستورات دین اسلام بر تکریم و احترام انسان‌ها مبتنی است و مطالبه حقوق و انجام تعهدات در قبال خود، جامعه و محل زیست از ضروریات این دین الهی است. بر این اساس می‌توان این فرض اساسی را مطرح کرد که افرادی که پایبندی بیشتری به باورهای دینی دارند، نسبت به حقوق و تکالیف شهری خود نیز آگاه‌ترند. نتایج پژوهش حاضر نیز این نکته را نشان دادند. در حوزه جامعه‌شناختی نیز به این موضوع توجه شده است. وبر مدعی بود آموزه‌های دینی مسیحی از طریق گسترش ایده انجمن‌های شهری، بر شکل‌گیری شهروندی اثر گذاشته است. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های حاتمی و مصطفایی (۱۳۹۱) و عبدی (۱۳۸۶) هم‌راستا است.

تأکید بر آموزه‌های دینی که بر مسئولیت‌ها و حقوق افراد در قبال جامعه و محل زیست آنان تأکید دارند، ساده‌کردن مباحث دینی، روشنگری مبلغان و روحانیان در این رابطه در مناسبت‌های مختلف می‌تواند سبب اثرگذاری بیشتر آموزه‌های دینی در جهت مطالبه حقوق و انجام تکالیف از سوی افراد شود.

نتیجه دیگر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین استفاده از رسانه‌ها و آگاهی از حقوق شهری است. این یافته در راستای نظریات روکیچ و دی‌فلور و نتایج پژوهش‌های پیشین مثل هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۰) و رسولی و زنده‌بودی (۱۳۸۹) است. روکیچ و دی‌فلور معتقدند رسانه‌های جمعی برای جامعه سرنوشت‌سازند. در واقع، وابستگی به یک رسانه خاص احتمال استفاده از پیام‌ها و اطلاعات ارائه شده توسط آن رسانه را افزایش خواهد داد. از آنجا که مردم در تمام جوامع به اطلاعات مختلف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیاز دارند، با تداوم نیازها در زندگی شهری، استفاده مخاطبان از رسانه‌ها برای کسب اطلاعات بیشتر می‌شود. با رشد فناوری‌های

- توسلی، غ. و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۵، ش ۲، ص ۶۲-۳۲.
- حاتمی، م. و مصطفایی، م. (۱۳۹۰). «بررسی میزان شناخت جوانان از حقوق و مطالبات شهروندی»، *پژوهش سیاسی جهان اسلام*، ش ۱، ص ۸۶-۵۵.
- حاج‌زاده، م. و منصوری، الف. (۱۳۹۲). «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ش ۱۲، ص ۷۶-۵۷.
- رسولی، م. و زنده‌بودی، خ. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی مطبوعات و صدا و سیما در اشاعه حقوق شهروندی؛ مطالعه موردی: شهروندان تهرانی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۱، ص ۷۶-۵۵.
- سپیانی، ع.؛ سعادت‌مند، ز. و کریمی، ف. (۱۳۸۶). «شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه فریدون شهر با حقوق شهروندی»، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ش ۱۵، ص ۹۴-۸۳.
- سلطانی‌فر، م.؛ هاشمی، ش. و یعقوبی‌راد، ف. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی»، *مدیریت فرهنگی*، ش ۱۲، ص ۱۸-۱.
- شارع‌پور، م.؛ علی‌وردی‌نیا، الف. و شعبانی، م. (۱۳۹۵). «بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ش ۱۸، ص ۲۲-۱.
- شیانی، م. (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۴، ش ۳، ص ۶۰-۸۰.
- شیانی، م. و دادوندی، ط. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۵، ص ۳۵-۳۲.
- ۳۵-۵۹
- شیانی، م. و سپهوند، الف. (۱۳۹۳). «رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۱۴، ش ۴، ص ۲۹۹-۲۶۷.
- عبدی، و. (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۹). *تدوین منشور حقوق شهروندی*، مشهد، مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای شهر.
- فالكس، ک. (۱۳۹۰). *شهروندی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فتحی، س. و مختارپور، م. (۱۳۹۰). «توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، س ۳، ش ۴، ص ۱۱۶-۸۹.
- نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۰). «جامعه‌مدرن، شهروندی و مشارکت»، *فصلنامه مدیریت شهری*، ش ۵، ص ۷-۱۵.
- نش، ک. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- نوروزی، ف. و گل‌پرور، م. (۱۳۹۰). «بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *راهبرد*، ش ۵۹، ص ۱۹۰-۱۶۷.
- هزارجریبی، ج. و امانیان، الف. (۱۳۹۰). «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ش ۹، ص ۱-۱۸.
- یوسفی، ع. و عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۷). «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۹، ش ۳، ص ۲۳-۳.
- Blanchet-Cohen, N. & Bedeaux, C. (2014) "Towards a Rights-Based Approach to Youth

- Habermas, J. (1992) *Citizenship and National Identity: Some Reflections on the Feature of Europe*. in: Turner, B. S. & Hamilton, P. (Eds.). *Citizenship Critical Concept*. London: Routledge. 341-361.
- Janoski, T. (1998) *Citizenship and Civil Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thayer-Bacon, B. (2008) *Beyond Liberal Democracy in Schools: the Power of Pluralism*. New York: Teachers College Press.
- Turner, B. S. (1990) "Outline of a Theory of Citizenship", *Sociology*, 24: 189-217.
- Westheimer, J. (2007) *Politics and Patriotism in Education. Pledging Allegiance: the Politics of Patriotism in America's Schools*. New York: Teachers College Press.
- Programs: Duty-Bearers' Perspectives", *Children and Youth Services Review*, 38: 75-81.
- Engel, L. (2010) "Global Citizenship and National (re)formations: Analysis of Citizenship Education Reform in Spain, Education", *Citizenship and Social Justice*, 9(3): 239-254.
- Geboers, E. Geijsel, F. Admiraal, W. & Jorgensen, T. (2013) "Review of the Effects of Citizenship Education", *Educational Research Review*, 9: 158-173.
- Geboers, E. Geijsel, F. Admiraal, W. & Jorgensen, T. (2015) "Citizenship Development of Adolescents During the Lower Grades of Secondary Education", *Journal of Adolescence*, 45: 89-97.

